|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[سیر اجتهاد 1](#_Toc428701263)

[مرور بحث گذشته 1](#_Toc428701264)

[اقسام موضوعات فقهی 2](#_Toc428701265)

[قسم اول 2](#_Toc428701266)

[قسم دوم 2](#_Toc428701267)

[جمع‌بندی 2](#_Toc428701268)

[قسم سوم 3](#_Toc428701269)

[قسم سوم از موضوعات فقهی 3](#_Toc428701270)

[انواع دلالت 3](#_Toc428701271)

[سه قسم از دلالات 3](#_Toc428701272)

[شرط دلالت التزامی 4](#_Toc428701273)

[جمع‌بندی 4](#_Toc428701274)

[انواع دلالت الزامی 4](#_Toc428701275)

# سیر اجتهاد

# مرور بحث گذشته

در جلسه گذشته به این نکته پرداخته شد که اجتهاد گاهی به نحو مستقیم و مأثور و گاهی به نحو استنطاق است. در این زمینه چند نکته را عرض کردیم، یکی اینکه این دو نوع اجتهاد هم در معارف توصیفی، هم در معارف اخلاقی هم در معارف فقهی جاری می‌شود. همان‌طور که این دو روش یا دو شیوه را می‌شود در تفسیر متون از قرآن و حدیث به کاربست. این‌یک نکته بود.

یک نکته هم به‌اختصار اشاره‌ای به تفاوت این استنطاق با تفسیر به رأی داشت. البته اشاره‌وار بحث تطبیقی شد، در همین حد که استنطاق مادامی‌که در دایره استدلالات و منهج استدلالی معتبر باشد، این تفسیر به رأی نیست، در همین حد. این هم دو نکته بود.

## اقسام موضوعات فقهی

موضوعات فقهی نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند؛

## قسم اول

یک دسته از موضوعات موضوعاتی است که با عناوین خاص آن در خود روایات و اخبار و متون آمده است. این موضوع با عنوان خاص خودش در آیات و روایات مورد تأکید قرارگرفته است. چه موضوعات عبادی، چه موضوعات غیرعبادی؛ صلات، صوم، حج، زکات و خمس، یا موضوعات غیرعبادی مثل ربا، بیع، اجاره و امثال این‌ها. این‌یک نوع است که خود موضوع اعم از تعبدی و توصلی بعنوانه در متون و روایات واردشده است و حکمی برای آن ذکرشده است. این‌یک نوع موضوع است.

## قسم دوم

نوع دوم این است که به‌عنوان خاص صنفی یا نوعی آن در روایات نیامده است. ولی داخل در یک عنوان جنسی است که در روایات آمده است. جنس که می‌گوییم یعنی ما هو بمنزله الجنس یا جنس، مثل همان عقد، فرض بگیرید بیمه، که با این عنوان در روایات نیامده است. ولی داخل در یک عنوانی به نام عقد است. اوفوا بالعقود این عنوان جنسی است. یک نوع آن‌که متجدد است همان بیمه و یا امثال بیمه از عقود دیگر است. این هم حالت دوم است.

## جمع‌بندی

حالت اول این است که یک عنوان صنفی نوعی یا جنسی به‌طور خاص آمده است. عنوان بیع، عقد، اجاره و امثال این‌ها. حالا این عنوانی که به‌طور خاص در قسم اول است می‌تواند عنوان صنفی، نوعی یا جنسی باشد، خیلی عام باشد، خیلی ریز باشد. این فرقی نمی‌کند. ولی خود این مفهوم در روایت یا آیات واردشده است. این قسم اول بود که خود مفهوم در آیه یا روایت واردشده است.

 قسم دوم این بود که نه خود مفهوم در آنجا وارد نشده است، ولی کاملاً زیرپوشش یک مفهومی است که حالت نوع یا جنس دارد برای این، مفهوم عامی است که این را زیرپوشش خود قرار می‌دهد. مثل این بیمه‌ای که عرض کردم. این دو نوع است. در این دو نوع در حقیقت چندان حالت استنطاقی نداریم.

## قسم سوم

نوع سوم از موضوعاتی که ما می‌توانیم در مسائل فقهی مطرح کنیم، موضوعاتی است که به شکل خاص در روایات و آیات نیامده است، نه اینکه مصداق یک عنوان مثلاً عام باشند و یا اگر هم مصداق عام دیگری هستند، این موضوع مصداق برای یک عنوانی از عناوینی است که ما می‌گوییم عناوین ثانوی. عناوینی که حالت متغیر دارد، رفت‌وآمد دارد، یا علی‌الاصول می‌تواند بیاید و برود.

حالت سوم این است که موضوع خودش نیامده است، مصداق یک موضوع عنوان به‌اصطلاح ذاتی خودش هم نیست، بلکه مصداق یک عنوان عرضی است، عنوان ثانوی است، عنوانی است که گاهی می‌تواند عارض بر این موضوع بشود، می‌تواند عارض نشود. این سه حالت است که در موضوعات در اینجا می‌شود تصویر کرد.

## قسم سوم از موضوعات فقهی

قسم سوم نیز مواردی است که مصداق یک عنوان ثانوی و متغیر گشته است. به‌عبارتی‌دیگر مصداق یک عنوان عرضی است که می‌تواند عارض نشود.

در حقیقت این قسم سوم ارتباط خاصی با بحث حفظ نظام پیدا می‌کند. ممکن است بگوییم اجتهاد نوع اول استماعی است یعنی تمام آن از خود متن استفاده می‌شود، اما نوع دوم متن به گفتن وادار می‌شود که همان استنطاقی است.

### انواع دلالت

ازجمله مباحثی که در این مقوله مطرح می‌گردد، بحث دلالت در منطق است و همان‌طور که مستحضرید دلالات به لفظی، عقلی و تبعی تقسیم می‌شوند. و دلالت لفظی نیز به سه بخش مطابقی، التزامی و تضمنی تقسیم‌شده است.

و هرکدام از این اقسام از دلالت لفظی دارای مراتب هستند. در موضوعات این بحث مطرح است که گاهی دلالت آن صریح و گاهی دارای پیچیدگی‌های بیشتری است.

### سه قسم از دلالات

این سه قسم تحت مقسم دلالت لفظی است و دلالت عقلی قسیم این مقسم است. این‌ها در یک رتبه نیستند. آن‌وقت این دلالت مطابقی و تضمنی و التزامی خود دارای مراتبی از دلالت هستند. آن دلالت واضح، دلالت مطابقی است. دلالت رتبه بعدش دلالت تضمنی است، دلالت رتبه بعد التزامی است. در یک قسمش آن ملازمه‌های عادی معمولی است که موجب شده این معنا با لازمش باهم چسبندگی داشته باشند، تا این را می‌گوییم، آن‌هم به ذهن می‌آید. مثل قلم و دوات، مثل دو آدمی که همیشه باهم راه می‌رفتند.

### شرط دلالت التزامی

این‌یک نوع مصداق دلالت التزامی است که همراهی‌های عرفی مستمر داشته است. یک نوع از دلالت التزامی و مصداق دیگر التزامی نه آن ملازمه‌های عقلی است که بین ملزوم و لازم یک تلازم عقلی است، بلکه تلازم عرفی، طبیعی و عادی است.

### جمع‌بندی

 پس دلالت التزامی دو قسم دارد؛

یعنی مبتنی بر یکی از این دو عامل است. یک عاملش همراهی‌ها و مصاحبت‌ها و ملازمه‌های عرفی و عادی مستمر است. به حدی که این دو معنا به هم گره‌خورده است، وقتی این‌یکی را می‌آورید آن‌هم به ذهن می‌آید.

مثل قلم و دوات است. به خاطر ارتباطی که باهم دارند ازنظر خارجی یا ارتباطات خارجی، عادی و عرفی. لذا کسی بگوید قلم بیاور معنایش این است که کاغذ بیاور. تلازم عقلی نیست، این تلازم عرفی و عادی است.

### انواع دلالت الزامی

لزوم بین به معنای اخص جزء دلالت‌های التزامی بوده و لفظی است. بین به معنای اعم هم اختلافی است، بعضی می‌گویند لفظی است، بعضی می‌گویند نیست. اما غیر بین از ملازمات همه می‌گویند جزء دلالت عقلی است.